سؤال: فصاحت را تعریف نموده، توضیح دهید که فصاحت وصف چند چیز قرار میگیرد؟
جواب: فصاحت در اصل از ظهور و بیان خبر می دهد. (تنبی عن الإبانة و الظهور).
و فصاحت وصف سه قرار میگیرد: ۱ـ المفرد ۲ـ کلام ۳ـ متکلم.
سؤال: حال و مقتضای حال را بیان نموده با مثال بنویسید؟
جواب: حال: هو الأمر الداعی إلی أن یعتبر مع الکلام الذی یؤدی به أصل المراد خصوصیة ما وهو مقتضی الحال. حال: امری را میگویند که متکلم را وادار می کند که کلامش را به روش مخصوصی بیان کند. مقتضی حال: صورت و روش مخصوصی را که کلام بر آن ایراد می شود مقتضی حال می گویند. مثال: مؤکد آوردن کلام برای شخصی که منکر است، انکار شخص حال و مؤکد آوردن کلام مقتضای حال است.
سؤال: ملاک صدق و کذب خبر در چیست؟ توضیح داده با مثال بیان کنید؟
جواب: اختلاف است: نزد جمهور - صدق: صدق الخبر مطابقة حکمه للواقع والکذب عدم مطابقته للواقع، نزد نظام - صدق: صدق الخبر مطابقة الحکم لإعتقاد المخبر، والکذب عدم مطابقة الحکم لإعتقاد المخبر، نزد جاحظ: صدق: مطابقة الحکم للواقع مع الإعتقاد، کذب عدم مطابقة الحکم للواقع مع الإعتقاد بأنه غیر واقع.
سؤال: مجاز به اعتبار طرفین بر چند قسم است؟ آن ها را نام ببرید؟
جواب: بر ۴ قسم است: اینکه مسند و مسند إلیه حقیقت لغوی باشند. ۲ـ اینکه مسند و مسند إلیه مجاز لغوی باشند، ۳ـ اینکه مسند حقیقت و مسند إلیه مجاز باشد، ۴ـ اینکه مسند مجاز و مسند إلیه حقیقت باشد.
سؤال: وبالعلمیة أی تعریف المسند إلیه بإیراده علماً لإحضاره بعینه.. به چه انگیزه هایی مسند إلیه علم آورده می شود؟
جواب: ۱ـ بنا حاضر بودن مسند إلیه در ذهن سامع ۲ـ برای تعظیم: رکب علیّ ۳ـ برای کنایه: أبو لهب فعل کذا ۴ـ برای تبرک: الله الهادی، محمد الشفیع.
سؤال: أولئک آبائی فجئنی بمثلهم إذا جمعتنا یا جریر المجامع، این بیت را ترجمه نموده، بفرمایید که چرا مسند إلیه را اسم اشاره آورده است؟
جواب: ترجمه: آن ها پدران من اند، همانند شان را بیاور، هرگاه انجمن هایی ما و تو را ای جریر با هم گرد آورد. ب) بخاطر تعریض بغباوة سامع مسند إلیه را اسم اشاره آورده است

مختصر المعانی

سؤال: تعریف مشهور التفات چیست؟ ودر آیه "إنّا أعطیناک الکوثر فصلّ لربک وانحر" چه نوع التفاتی است؟

جواب: إلتفات: هو التعبیر عن معنی بطریق من الطرق الثلاثة. تعبیر کردن معنایی را به (از این) سه طرق سه گانه (تکلم، خطاب، غیبة) إلتفات می گویند. آیه التفات از تکلم به غیبة است.

سؤال: علم معانی را تعریف کنید؟ بنویسید که علت تقدیم علم معانی بر بیان چیست؟

جواب: علم معانی: یعرف به أحوال اللفظ العربی التی بها یطابق اللفظ المقتضی الحال. - به این خاطر علم معانی را از علم بیان مقدم نمود چونکه معانی در برابر علم بیان به منزله مفرد در برابر مرکب است، همان مقتضی مطابقت بودن کلام با مقتضای حال که علم معانی است علم بیان هم همین است اما بزیادة شیء آخر.

ص ۸۶/۸۷

سؤال: الفصاحة فی المفرد خلوصه من تنافر الحروف والغرابة ومخالفة القیاس اللغوی، الف) چرا فصاحت را بر بلاغت مقدم نمود؟ هر یک از غرابة وتنافر حروف را با ذکر مثال تعریف کنید؟ ج) تعریف فصاحة فی الکلام را بنویسید؟

جواب: الف) به این خاطر فصاحت را (بر بلاغت) مقدم نمود، چونکه شناخت بلاغت بر شناخت فصاحت موقوف است، ب) تنافر الحروف: وصف فی الکلمة توجب ثقلها علی اللسان وعسر النطق بها مثال: مستشزرات، غرابة: کون الکلمة وحشیة غیر ظاهرة المعنی ولا مأنوسة الإستعمال مثال: فاحماً ومرسنا مسرجاً.

ج) فصاحة الکلام: خلوصه من ضعف التألیف، وتنافر الحروف والتعقید مع فصاحتها.

سؤال: چرا ابیات های ذیل نزد بعضی از علماء فصیح نیستند؟

(وتسعدنی فی غمرة بعد غمرة * سبوح لها منها علیها شواهد)؛ (حمامة جرعی حومة الجندل اسجعی * فأنت بمرأی من سعاد ومسمع).

جواب: چونکه در بیت اول کثرة تکرار است، ودر بیت دوم تتابع إضافات است واین هر دو تعیب اند ودر کلام تنافر به وجود میآورند.

سؤال: البلاغة فی الکلام.. (الف) بلاغة فی الکلام را تعریف کنید؟ ب) منظور از مقتضی الحال چیست؟

جواب: الف) بلاغة فی الکلام: مطابقته لمقتضی الحال مع فصاحته (الکلام)

مقتضی حال: صورت وروش مخصوصی را که کلام بر آن ایراد می شود مقتضی حال می گویند.

سؤال: الحمد هو الثناء باللسان علی قصد التعظیم سواء تعلّق بالنعمة أو بغیرها.
الف) عبارت را ترجمه نموده و فوائد قیود احترازیه در تعریف را بیان کنید؟ فرق بین حمد و شکر را توضیح دهید؟
جواب: الف) ترجمه: حمد: تعریف و ثناء با زبان به هدف تعظیم برابر است که در مقابل نعمتی باشد یا نباشد، "قصد التعظیم" با این سخن احتراز کرد از قصد مسخره و استهزاء چون ثناء و تعریف بخاطر مسخره آورده می شود.
ب) فرق بین این دو اینست که حمد با زبان انجام میگیرد اما شکر با زبان و أعضاء (جوارح) و قلب، صورت میگیرد، و همچنین حمد نعمت مد نظر نیست و در مقابل غیر نعمت هم انجام میگیرد، اما شکر فقط در مقابل نعمت می شود.
سؤال: صدق الخبر مطابقته للواقع و کذبه عدمها... نظر جمهور علماء و نظام و جاحظ را در بارۀ ی صدق خبر و کذب آن بنویسید؟
جواب: تقدم جواب هذه المسئلة فی الأجوبة الماضیة.
سؤال: چه زمانی کلام را ابتدائی و کی طلبی و کی انکاری می آورند؟
جواب: اگر مخاطب ذهنش از تردد و حکم بر چیزی خالی باشد کلام را ابتدائی میآورند.
اگر مخاطب متردد باشد در حکم، کلام را طلبی میآورند، اگر مخاطب منکر حکم باشد کلام را انکاری می آورند.
سؤال: و بالموصولیة... در امثله ذیل بیان کنید که چرا مسند إلیه به لفظ موصول آورده شده است؟
مواضع: الف) و راودته التی هو فی بیتها عن نفسه، ب) فغشیهم ما غشیهم
ج) إن الذین ترونهم إخوانکم یشفی غلیل صدورهم أن تصرعوا..
جواب: الف) به خاطر با صراحت زشت پنداشتن اسم مسند إلیه و زیادة تقریر اسم موصول آورده شده است، ب) برای تفخیم (تعظیم، تهویل) اسم موصول آورده شده است
ج) برای تنبیه مخاطب بر خطایش اسم موصول آورده شده است
س ۱۴۲۸
سؤال: بلاغت را تعریف نموده بفرمایید که چرا مصنف فصاحت را بر بلاغت مقدم نمود؟
جواب: الف) البلاغة: و هی تنبئ عن الوصول و الإنتهاء، بلاغت رسیدن و پایان را میگویند، و در اصطلاح وصف کلام و متکلم قرار میگیرد، ب) علت تقدیم فصاحت بر بلاغت قبلاً گذشت.

سؤال: حمامة جرعی حومة الجندل اسجعی،،، فأنت بمرأی من سعاد ومسمع
بیت را ترجمه نموده بفرمایید چه چیزی بیت فوق را از فصاحت خارج کرده است؟
جواب: ای کبوتر میدان سنگلاخ و میدان وسیع صدا بده، که تو در دید و سعاد (اسم محبوبه) هستی و سخن شما را می‌شنوند، ب) تتابع اضافات این بیت را از فصاحت خارج کرده است.

سؤال: والفصاحة فی الکلام: خلوصه من ضعف التألیف وتنافر الکلمات والتعقید مع فصاحتها، ضمن توضیح و تعریف عبارت برای هر یک مثالی بنویسید؟
جواب: الف) فصاحت در کلام اینست که از ضعف تألیف و تنافر کلمات و تعقید خالی باشد مع اینکه کلام فصیح باشد، ب) ضعف التألیف، مثال: ضرب غلامه زیداً، تنافر کلمات: لیس قرب قبر حرب قبر، تعقید: وما مثله فی الناس إلا مملکاً، ابو أمه حیّ أبوه یقاربه.

سؤال: علم معانی را تعریف و علت تقدیم آن بر علم بیان را بنویسید؟
جواب: الف) هو علم یعرف به أحوال اللفظ العربی التی بها یطابق اللفظ مقتضی الحال. ب) علت تقدیم قبلا گذشت.

سؤال: فائدة الخبر و لازم فائدة الخبر را تعریف و توضیح دهید؟
جواب: فائدة الخبر: اگر مقصود از خبر دادن افادهٔ حکم باشد، فائدة الخبر است.
لازم فائدة الخبر: اگر مخبر به حکم و خبر آگاه باشد این لازم فائدة الخبر است.

سؤال: مجاز عقلی به اعتبار حقیقة الطرفین و مجازیتهما بر چند قسم است؟ آنها را نام برده بنویسید که «أنبت الربیع البقل» از کدام أقسام می‌باشد؟
جواب: الف) مجاز عقلی به اعتبار طرفین بر ۴ قسم است که قبلا گذشتند.
ب) أنبت الربیع البقل مثال اینست که طرفین (مسند و مسند إلیه) حقیقت لغوی باشند.

سؤال: أحوال مسند إلیه: از موارد حذف مسند إلیه سه مورد را بیان کنید؟
جواب: ۱- برای امتحان آگاهی سامع که آیا متوجه است یا نه، ۲- برای دور نگهداشتن از زبان بخاطر توهین، ۳- برای ترس از فوت فرصة مانند: غزال، غزال

سؤال: التفات را تعریف نموده، بنویسید که در آیه‌ی (ومالی لا أعبد الذی فطرنی وإلیه ترجعون) چه نوع التفاتی وجود دارد؟

(تعریفش قبلاً گذشت)

جواب: التفات: هو التعبیر عن معنیً بطریقٍ من الطرق الثلاثة.. این آیه التفات از تکلم به خطاب است.

سؤال: قصر افراد را تعریف نموده براش مثالی بیاورید؟

جواب: قصر افراد: تخصیص الشیء دون شیءٍ مثال: مازید إلا کاتبٌ.

سؤال:

۹۲/۹۳

سؤال: الحمد هو الثناء باللسان علی قصد التعظیم سواءٌ تعلق بالنعمة أو غیرها... حمد و شکر را تعریف کنید؟ متعلق و مورد هر دو را بیان کنید؟ و نسبت بین حمد و شکر را توضیح دهید؟

جواب: حمد: هو الثناء باللسان علی قصد التعظیم سواء تعلق بالنعمة أو بغیرها...
شکر: هو فعلٌ ینبیء عن تعظیم المنعم لکونه منعماً سواء کان باللسان أو بالأرکان أو بالجنان.
مورد حمد لسان است و متعلق آن نعمة و غیر نعمة است، و متعلق مورد شکر لسان و غیره است و متعلق آن نعمة است، پس حمد أعم است از شکر به اعتبار متعلق و أخص است به اعتبار مورد، و شکر به اعتبار متعلق أخص است و به اعتبار مورد أعم.
در میان این دو عموم و خصوص من وجه است.

سؤال: الفصاحة فی المفرد: خلوصه من تنافر الحروف و الغرابة و المخالفة القیاس...
الف) چرا فصاحت را بر بلاغت مقدم نموده؟ چرا فصاحت مفرد را بر فصاحت کلام و متکلم جلو کرده؟ قاعده‌ی کلی در شناخت تنافر حروف نزد علامه تفتازانی چیست؟

جواب: الف) علت تقدیم فصاحت بر بلاغت قبلاً گذشت، ب) بخاطر فصاحت مفرد را مقدم نموده چونکه فصاحت کلام و متکلم موقوف بر فصاحت مفرد هستند، ج) ضابطه کلی در مورد تنافر حروف: (کل ما یعده الذوق الصحیح ثقیلاً متعسّر النطق فهو متنافرٌ سواءٌ کان من قرب المخارج أو بعدها و غیر ذالک.

سؤال: صدق الخبر مطابقته للواقع... تفسیر صدق و کذب خبر را از دیدگاه کسانی که خبر را منحصر در صدق و کذب می دانند توضیح دهید؟ و همچنین نظریه ای که خبر را در صدق و کذب منحصر نمی دانند نیز توضیح دهید؟

جواب: این نظریات قبلاً بیان شدند.

سؤال: تعریف المسند بالموصولیة: أو التفخیم نحو: فغشیهم من الیم ما

غشیهم» أو تنبیه المخاطب علی الخطأ نحو «إنّ الذین ترونهم إخوانکم * یشفی غلیل صدورهم أن تصرعوا». شاهد را در آیه و شعر روشن نمائید؟
جواب: گاهی موقع مسندإلیه معرفه آورده می شود به صورت اسم موصول: مانند فغشیهم ما غشیهم، (ما موصوله شاهد است) و مانند إنّ الذین ترونهم إخوانکم * یشفی غلیل صدورهم أن تصرعوا، (شاهد «الذین» است).
سؤال: قصر افراد و قلب را فقط تعریف نمائید؟
جواب: قصر افراد: تخصیص شیء دون شیء مانند ما زید إلا کاتبٌ، قصر قلب: تخصیص شیء مکان شیء مانند ما زیدٌ إلّا قائمٌ.
۹۳/۹۴
سؤال: نام و لقب مؤلف کتاب و تاریخ تولد و وفاتش را بنویسید؟
جواب: نام: مسعود بن عمر، لقب: سعد الدین، تاریخ تولد: ۷۲۲ هـ.ق تاریخ وفات: ۷۹۲ هـ.ق.
سؤال: فصاحت را از روی لغت و از روی اصطلاح با تشریح اقسامش تعریف کنید؟
جواب: فصاحت فی اللغة تنبیء عن الوصول و الإنتهاء، و در اصطلاح: وصف کلمه قرار میگیرد (فصاحت کلمه: خلوصه من تنافر الحروف والغرابة ومخالفة القیاس) و وصف کلام قرار میگیرد (فصاحت کلام: خلوصه من ضعف التألیف وتنافر الکلمات و التعقید) و وصف متکلم قرار میگیرد (فصاحت متکلم: هی ملکة یقتدر بها علی التعبیر عن المقصود بلفظ فصیح).
سؤال: هامة جرعی حومة الجندل * فاسجعی فأنت بمرأی من سعاد و مسمع، الف) بیت را ترجمه کنید؟ ب) این بیت به عنوان چه مسئله ای بیان شده است؟ ج) کدام کلمه از بیت شاهد است؟
جواب: الف) ترجمه بیت قبلاً بیان شد، ب) این بیت به خاطر تتابع إضافات در فصاحت خلل وارد کرده است، ج) هامة جرعی حومة الجندل شاهد بیت است چونکه چندین إضافات پشت سرهم آمده اند.
سؤال: أحوال الإسناد الخبری... الف) اسناد خبری را توضیح دهید ب) فائدة الخبر و لازم فائدة الخبر را توضیح دهید؟
جواب: إسناد خبری: ضمّ کلمة أو ما یجری مجراها إلی أخری بحیث یفید المخاطب أنّ مفهوم إحداهما ثابتٌ لأخری أو منفیٌ عنها ب) تعریف این دو قبلاً گذشتند.

﴿مختصر المعانی﴾

سؤال: وأما تقدیمه أی تقدیم المسند إلیه... سه حالت از حالات تقدیم مسند إلیه را بنویسید؟

جواب: ۱- بخاطر اینکه بهتر در ذهن سامع جا بیفتد، ۲- برای بد فالی گرفتن ۳- برای نیک فالی گرفتن ۴- برای استلذاذ.

سؤال: مثال سه نوع إلتفات را بنویسید؟

جواب: ۱- إنا أعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر (التفات از تکلم به غیبت)

۲- ومالی لا أعبد الذی فطرنی وإلیه ترجعون (التفات از تکلم به خطاب).

۳- حتی إذا کنتم فی الفلک وجرین بهم (التفات از خطاب به غیبت،

سؤال: وأما للرعایة الفاصلة نحو قوله تعالی «والضحی واللیل إذا سجی ما ودعک ربک وما قلی» وحصول الإختصار أیضاً ظاهر، منظور عبارت را توضیح دهید؟

جواب: مفعول گاهی حذف می شود بخاطر رعایت فاصله مانند این آیات مبارک و در اینجا اختصار هم ظاهر است

ص ۸۵

سؤال: فالفصاحة فی المفرد خلوصه من تنافر الحروف والغرابة ومخالفة القیاس اللغوی. معنی توضیح عبارت تنافر، غرابت و مخالفت قیاس لغوی را تعریف و مثال ذکر کنید؟

جواب: تنافر: وصف فی الکلمة توجب ثقلها علی اللسان وعسر النطق بها مثال: مستشزرات

غرابة: کون الکلمة وحشیة غیر ظاهرة المعنی ولا مأنوسة الإستعمال، مانند مسرج

و المخالفة القیاس: أن تکون الکلمة علی خلاف قانون مفردات الألفاظ الموضوعة نحو الحمد لله العلی الأجلل.

سؤال: پس از ترجمه اشعار زیر بنویسید این اشعار بعنوان مثال کدام بحث آورده شده اند؟ توضیح دهید؟

طحابک قلب فی الحسان طروبُ — بعید الشباب عصر حان مشیبُ

یکلفنی لیلی وقد شط ولیها — وعادت عواد بیننا وخطوبُ

جواب: مثال التفات از خطاب به تکلم است.

ترجمه: ۱- تو را به هر سو کشانده (از بین برده، نابود کرده) دلی که در عشوه با خوبرویان طربناک است؛ در هنگامی که جوانی و هوای تازه گذشته و پیری از راه می رسد. ۲- لیلی رنجهای دوریش را به من تحمیل می کند؛ با این که پیوند با او دور است و دشواریها و رویدادهایی به میان آمده (به ستیز با هم)

سؤال: الإستئناف ثلاثة أضرب... اقسام سه گانه ی استیناف و مثال حداقل یکی از آنها را بنویسید؟

جواب: ۱- اینکه سؤال مطلقاً از سبب حکم باشد مانند قال لی کیف أنت قلت علیل سهر دائم و حزن طویل ۲- اینکه سؤال از سبب خاص حکم باشد مانند و ما أبرّئ نفسی إنّ النفس أمّارة بالسوء (الآیه) ۳- اینکه غیر از سبب خاص و مطلق باشد مانند: قالوا سلاماً قال سلام (الآیه).

سؤال: ایجاز، إطناب، مساواة را تعریف کنید؟

جواب: ایجاز: أداء المقصود بأقل من عبارة المتعارف.

اطناب: اداء المقصود بأکثر من عبارة المتعارف

مساواة: أن یکون اللفظ بمقدار أصل المراد.

سؤال: الفصاحة فی المفرد، تقدم الفصاحة علی البلاغة.. الف) فصاحت مفرد را تعریف نمائید؟ ب) چرا فصاحت را بر بلاغت و چرا فصاحت مفرد را بر فصاحت کلام و متکلم مقدم کرد؟

جواب: الف) الفصاحت فی المفرد: خلوصه من تنافر الحروف و الغرابة و مخالفة القیاس، ب) فصاحت را بر این خاطر بر بلاغت مقدم کرد، چونکه شناخت بلاغت بر شناخت فصاحت موقوف است، و فصاحت مفرد را به این خاطر از آن دو مقدم کرد چونکه شناخت آن دو موقوف به شناخت فصاحت مفرد است.

سؤال: صدق الخبر مطابقته للواقع و کذبه عدمها.. ضمن توضیح عبارت، دو نظریه‌ی دیگری که در مورد تفسیر صدق و کذب وجود دارد بیان فرمائید؟

جواب: ۱- نزد نظام: صدق الخبر مطابقته لإعتقاد المخبر، کذب الخبر عدم مطابقته لإعتقاد المخبر، ۲- نزد جاحظ: صدق الخبر مطابقته للواقع مع الإعتقاد بأنه مطابق و کذب الخبر عدم مطابقته للواقع مع إعتقاد أنه غیر واقع.

سؤال: أو تنبیه المخاطب علی الخطأ، نحو: إنّ الذین ترونهم إخوانکم یشفی غلیل صدورهم أن تصرعوا، مطلب را با ذکر شاهد در بیت توضیح دهید؟

جواب: شاهد در این بیت الذین است که اسم موصول است، گاهی مسندإلیه را اسم موصول می آورند به خاطر متوجه کردن مخاطب بر اشتباهش مانند این شعر.

سؤال: و من خلاف المقتضی تلقّی المخاطب بغیر ما یترقبه.. ایراد کلام را بر خلاف مقتضای ظاهر با مثالی توضیح دهید؟

جواب: خلاف مقتضای ظاهر اینست که کلام بر عکس اقتضای ظاهر ایراد شود

۱۵/۷/...

مثلاً ظاهر اقتضا می کند که کلام بصورت اظهار آورده بشود اما خلاف ظاهر اینست که به صورت مضمر آورده بشود. مثل: این که به جای نعم رجلا زید، نعم الرجل آورده بشود،

سؤال: قصر افراد، قلب و تعیین را با ذکر مثال توضیح دهید؟

جواب: قصر افراد: التخصیص بشیء دون شیء نحو: ما زیدٌ إلا کاتب.

قصر قلب: التخصیص بشیءٍ مکان شیءٍ نحو: ما زیدٌ إلا قائمٌ

قصر تعیین: إن تساویا (أی الأمران) فهو قصر تعیین، نحو: ما زید إلا قائمٌ.

سؤال: